

بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و گرایش‌های تفکر انتقادی

فاطمه قدومی‌زاده^۱

محبوبه فولادچنگ^۲

چکیده

هدف: امروزه مباحث جنجال برانگیزی پیرامون نقش مذهب در زندگی انسان وجود دارد. پرورش تفکر انتقادی که یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش و پرورش است، از جهت‌گیری مذهبی تأثیر می‌پذیرد. لذا پژوهش حاضر بر آن بود تا تأثیر انواع جهت‌گیری مذهبی را بر هر یک از گرایش‌های تفکر انتقادی بررسی کند. **روش:** روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۳۵۲ نفر (۱۸۹ دختر و ۱۶۳ پسر) از دانشجویان مشغول به تحصیل در سال ۹۱-۹۲ دانشگاه شیراز بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به منظور بررسی متغیرهای پژوهش، هر یک از شرکت‌کنندگان پرسشنامه خودگردانی مذهبی (ریان و همکاران، ۱۹۹۳) و سیاهه گرایش به تفکر انتقادی ریکنس (۲۰۰۳) را تکمیل کردند. پایایی ابزارهای پژوهش به وسیله ضریب آلفای کرونباخ و روایی آنها به کمک روش تحلیل عاملی تعیین شد. **یافته‌ها:** نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده همه گرایش‌های تفکر انتقادی، اعم از ابتکار، بلوغ‌شناختی و اشتغال ذهنی را به صورت مثبت و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده آنها را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند. **نتیجه‌گیری:** افرادی که جهت‌گیری مذهبی‌شان از نوع همانندسازی است، گرایش به تفکر انتقادی بالایی دارند و بالعکس افرادی که جهت‌گیری مذهبی آنها از نوع درون‌فکنی شده است، گرایش به تفکر انتقادی پایینی دارند.

واژگان کلیدی: جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده، جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده، ابتکار، بلوغ‌شناختی و اشتغال ذهنی.

◆ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۴/۰۶/۰۲.

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز.

۲. دکترای روانشناسی تربیتی و دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) / آدرس: شیراز، پردیس ارم-

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی / شماره: ۰۷۱۳۶۲۸۶۴۴۱ / Email: foolad@shirazu.ac.ir

الف) مقدمه

کومنز^۱ (۱۹۸۵) معتقد است در عصر حاضر که با عنوان عصر انفجار اطلاعات از آن یاد می‌شود، اطلاعات از طریق فناوری‌های پیشرفته‌ای همچون اینترنت و شبکه‌های جهانی اطلاع رسانی به وفور یافت می‌شوند. بنابراین، صرف داشتن اطلاعات نمی‌تواند مفید و کارساز باشد، بلکه تجزیه و تحلیل و نحوه کاربرد اطلاعات حائز اهمیت است. با تعریفی که انیس^۲ (۲۰۰۲) از تفکر انتقادی^۳ ارائه می‌کند، می‌توان دریافت که این امر از طریق تفکر انتقادی امکان‌پذیر است؛ «تفکر انتقادی، تفکری استدلالی، اندیشمندانه و انعطاف‌پذیر است که در تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه باورهایی داشته باشیم و چگونه رفتار کنیم، متمرکز می‌شود». از اینرو، همان‌طور که سیزر^۴ (۲۰۰۸) نیز بیان می‌کند، لازم است تعلیم و تربیت در دوره معاصر بیش از گذشته، کانون توجه خود را به جای محتوا، بر گرایشها و مهارت‌های تفکر انتقادی معطوف کند.

آندولینا^۵ (۲۰۰۱) تفکر انتقادی را توانایی اساسی برای مشارکت عاقلانه در جامعه دموکراتیک معرفی می‌کند؛ زیرا طبق نظر جانسون^۶ (۲۰۰۲)، فرد به وسیله تفکر انتقادی می‌تواند از مدارک و شواهد موجود بالاترین درک را داشته باشد و درک کردن، او را قادر می‌سازد تا نظرات و معانی موجود در ورای هر چیز را آشکار سازد. بنینگ^۷ (۲۰۰۶) تعریف جامع مورد توافق همگانی را که انجمن فلسفه آمریکا برای تفکر انتقادی ارائه کرده و شامل مؤلفه‌های عاطفی و شناختی است، بیان می‌کند. طبق این تعریف، تفکر انتقادی قضاوت هدفمند و خود نظم دهنده ای است که مبتنی بر تعبیر، تحلیل، ارزیابی، استنباط و همچنین تبیین ملاحظات موقعیتی، روش‌شناختی، ملاکی و مفهومی است. در پژوهش حاضر، مؤلفه عاطفی تفکر انتقادی؛ یعنی گرایش به تفکر انتقادی بررسی خواهد شد. طبق تعریف فاسیونه^۸ (۲۰۱۱)، گرایش به تفکر انتقادی، انگیزشی درونی و تمایلی عادت‌گونه است که فرد را به استفاده از مهارت‌های تفکر انتقادی خود برمی‌انگیزد و بدون آن، فرد تمایلی به کاربرد مهارت‌های تفکر انتقادی خویش ندارد. بر اساس مطالعات فاسیونه و همکارانش (راهنمای سیاهه گرایش به تفکر انتقادی کالیفرنیا^۹، ۲۰۰۷)، گرایش کلی فرد به استفاده از مهارت‌های تفکر انتقادی خود، حاصل وجود هفت گرایش یا عادت ذهنی مطلوب است که «گرایش‌های تفکر انتقادی»

-
1. Coombs
 2. Ennis
 3. Critical Thinking
 4. Sezer
 5. Andolina
 6. Johnson
 7. Banning
 8. Facione
 9. CCTDI

۴۰۵ بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و گرایش‌های تفکر انتقادی

نامیده می‌شوند و عبارتند از: حقیقت‌جویی^۱، گشوده ذهنی^۲، تحلیل‌گری^۳، قاعده‌مندی^۴، اعتماد به نفس در تفکر انتقادی^۵، جستجوگری^۶ و پختگی شناختی^۷.

گرایش‌های مذکور بر اساس کار اصلی فاسیونه (۱۹۹۰) است، اما این گرایشها قدرت تمیز چندانی نداشتند. به همین دلیل، در ارزیابی مجدد دلفی که توسط ریکتس^۸ (۲۰۰۳) انجام شد، سه مقیاس ابتکار^۹، بلوغ فکری^{۱۰} و اشتغال ذهنی^{۱۱} تولید شدند که به طور مؤثر عاملهای گرایش به تفکر انتقادی را تعیین می‌کنند. بنابراین، در پژوهش حاضر سه گرایش ابتکار، بلوغ شناختی و اشتغال ذهنی مد نظر قرار گرفته شده که بر اساس ارزیابی مجدد گروهی از پژوهشگران از هفت گرایش تفکر انتقادی که فاسیونه (۱۹۹۰) در گزارش دلفی ارائه کرده بود، به دست آمده است (ریکتس، ۲۰۰۳). طبق توضیحات ریکتس (۲۰۰۳)، «ابتکار» زمینه فرد را برای جستجوی حقیقت نشان می‌دهد؛ یعنی فرد چقدر کنجکاو است که حقیقت را بداند. «بلوغ فکری» فرد نشان می‌دهد که او از پیچیدگی مسائل واقعی آگاه است و می‌داند که ممکن است برای یک مسئله بیش از یک راه حل وجود داشته باشد. نسبت به دیدگاههای دیگران ذهن گشوده‌ای داشته باشد و نسبت به زمینه خود و دیگران آگاهی داشته باشد. «اشتغال ذهنی» نشان می‌دهد فرد چه میزان در جستجوی فرصتهایی است که بتواند به استدلال بپردازد و همچنین اطمینان فرد به خود در توانایی استدلال را نشان می‌دهد.

اما همان‌طور که پرویس^{۱۲} (۲۰۰۹) بیان می‌کند، با وجود اهمیت تفکر انتقادی، در کمتر تحقیقی به پیش‌آیندهای تفکر انتقادی پرداخته شده و در اکثر تحقیقات به تأثیرات آن پرداخته شده است. ماهاپونیان^{۱۳} (۲۰۱۰) در فراتحلیلی که بر روی مطالعات انجام شده در زمینه تفکر انتقادی انجام داد، عوامل مؤثر بر تفکر انتقادی را عوامل مربوط به فرایند آموزش و یادگیری، عوامل مربوط به یادگیرنده و عوامل شخصی و مراقبتی می‌داند.

-
1. Truth Seeking
 2. Open Mindedness
 3. Analyticity
 4. Systematicity
 5. Confidence in Reasoning
 6. Inquisitiveness
 7. Cognitive Maturity
 8. Ricketts
 9. Innovativeness
 10. Maturity
 11. Engagement
 12. Purvis
 13. Mahapoonyanont

۴۰۶ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

از دیگر عوامل تأثیرگذاری که در سایر پژوهشها بررسی شده‌اند عبارتند از: پنج عامل شخصیت (کلیفورد، باوفول و کرتز، ۲۰۰۴)، سبک یادگیری (گونو کروم، ۲۰۰۸)، روشهای آموزشی (بامبرگر و هنری، ۲۰۰۵)، تأمل و بازاندیشی عمل تدریس (لرچ، بایلیکس و کالی، ۲۰۰۶)، محیط آموزشی (ارنست و مونرو، ۲۰۰۶)، سبک تفکر معلم (امیر، ۲۰۱۳).

مذهب و اعتقادات یکی از عواملی است که در مورد تأثیرش بر تفکر انتقادی مباحث جنجال برانگیزی مطرح شده است؛ زیرا طبق ادعای گرینهود^۱ (۲۰۰۴) چنانچه محققان نشان داده‌اند، دانش و عقاید قبلی فرد، توانایی استدلال وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین کربی^۲ (۲۰۰۸) نشان داد کل افراد تمایل دارند عقاید خود را حفظ کنند، حتی وقتی که با شواهدی علیه آن مواجه می‌شوند. طبق توضیحات کربی^۳ (۲۰۰۸)، این پدیده با مفهوم «ثبات عقیده»^{۱۱} توضیح داده می‌شود. این مورد اغلب در مورد عقاید فرامادی^{۱۱} در ادراک‌های خارج از احساس عادی^{۱۲} یا با عقاید مذهبی مربوط به خدا و زندگی پس از مرگ که با شواهد تجربی و آزمایشی حمایت نمی‌شود یا حتی با آنها در تضاد است، اتفاق می‌افتد.

محققان مختلفی دریافته‌اند کسانی که اعتقادات فرامادی دارند، در مهارتهای تفکر انتقادی ضعیف می‌باشند (الکک و اوتیس، ۱۹۸۰؛ ابروین، ۱۹۹۱؛ مرلا-رامس، ۱۹۹۹؛ مورگان و مورگان، ۱۹۹۸؛ توبایک و میلفورد، ۱۹۸۲؛ ویرزبیک، ۱۹۸۵). در این بین، الکک و اوتیس (۱۹۸۰)، ویرزبیک (۱۹۸۵) و توبایک و میلفورد (۱۹۸۲) یک همبستگی جهانی بین اعتقادات فرامادی و تفکر انتقادی ضعیف یافتند؛ اما ابروین (۱۹۹۱)، مرلا-رامس (۱۹۹۹) و مورگان و مورگان (۱۹۹۸) چنین ارتباط مشابهی را پیدا نکردند. مرلا-رامس دریافت که این تفاوتها در نتایج، بستگی به آن دارد که در اندازه‌گیری تفکر انتقادی و اعتقادات مذهبی چه مواردی را مورد ارزیابی قرار داده بودند.

کربی (۲۰۰۸) با پژوهش خود با عنوان «اثر منفی طرحواره‌های مذهبی بر مهارتهای تفکر انتقادی» به

1. Clifford, Boufal & Kurtz
2. Learning Style
3. Guven & Kurum
4. Baumberger-Henry
5. Lerch, Bilics & Colley
6. Ernst & Monroe
7. Emir
8. Greenhood
9. Kirby
10. Belief Perseverance
11. Paranormal
12. ESP
13. Alcock & Otis
14. Irwin
15. Merla-Romos
16. Morgan & Morgan
17. Tobacyk & Milford
18. Wierzbicki

۴۰۷ \diamond بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و گرایش‌های تفکر انتقادی

این نتیجه رسید که طروحه‌های مذهبی را نمی‌توان به عنوان عامل عملکرد ضعیف‌تر در تفکر انتقادی محسوب کرد. وی همچنین دریافت که جهت‌گیری مذهبی بیرونی، منجر به کاهش برخی مهارت‌های تفکر انتقادی از جمله استدلال استقرایی و تدوین فرضیه در استدلالها می‌شوند؛ اما ارتباط بین طروحه‌های مذهبی که در اینجا با جهت‌گیری درونی نشان داده شد، با مهارت‌های تفکر انتقادی به اثبات نرسید.

در برخی دیگر از پژوهشها نیز به ارتباط بین تعصب که کاملاً در تقابل با بلوغ فکری (یکی از گرایشهای تفکر انتقادی) است، با جهت‌گیری مذهبی پرداخته شده است. گلدبرگ^۱ (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان «ارتباط روان‌شناسی دین با پرورش تفکر انتقادی»، با مثال تعصب نسبت به سقط جنین به رابطه بین مذهب و تعصب پرداخته است. مایرز و اسپنسر^۲ (نقل از: اسپلکا، ۲۰۰۳)، به این نتیجه رسیدند که افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی نسبت به افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی، تعصب کمتری دارند؛ اما دینی^۳ (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان «رابطه بین مذهب و تعصب»، در مورد گروههای مختلف به نتایج متفاوتی رسید.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج تحقیقات در مورد ارتباط بین مذهب و گرایش به تفکر انتقادی متفاوتند و تا جایی که دانش پژوهشگر اجازه می‌دهد، در ایران پژوهش‌چندانی در این باره صورت نگرفته است. لذا این پژوهش بر آن است تا ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و گرایش به تفکر انتقادی را بسنجد.

در این پژوهش برای سنجش باورهای مذهبی، از جهت‌گیری مذهبی^۴ استفاده شد. به علل اعتقادات، باورها و رفتارهای مذهبی افراد، جهت‌گیری مذهبی و گاه انگیزه مذهبی گفته می‌شود. آلپورت^۵ (۱۹۶۷) معتقد است که افراد مذهبی، جهت‌گیری مذهبی دارند و این جهت‌گیری درونی^۶ یا بیرونی^۷ است. در این نوع جهت‌گیری مذهبی که بیرونی است، فرد مذهب را به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدفی می‌خواهد؛ ولی در جهت‌گیری مذهبی درونی، فرد مذهب را برای خود مذهب و از درون می‌خواهد. برخی از نظریه‌پردازان از تقسیم‌بندی آلپورت انتقاد کرده‌اند و بر این باورند در زمینه سوگیری مذهبی می‌توان افراد را در پیوستاری از باورها قرار داد. نظریه دسی و ریان^۸ (۱۹۸۵) پیش‌درآمد شکل‌گیری این انتقادات بود. در این نظریه، مهم‌ترین اصل، درونی‌سازی است که فرد از راه آن، دلایل بیرونی هدایت‌کننده رفتارها را به دلایل درونی تبدیل می‌کند. این نظریه‌پردازان با طرح مفهوم خودتعیینی^۹ که بر پایه کنترل علی

1. Goldberg

2. Spencer

3. Denney

4. Religious Orientation

5. Alport

6. Intrinsic Orientation

7. Extrinsic Orientation

8. Deci & Ryan

9. Self-Determination

۴۰۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

ادراک شده هایدراست، به توجیه علیت باورهای مذهبی پرداخته‌اند که بنا بر آن، علیت فردی (به معنای رفتارهای بر پایه انگیزش درونی) و علیت غیر فردی (کنشهای بر پایه عوامل پیرامونی) را جدا از هم می‌دانند. اصل درونی‌سازی در نظریه یاد شده را می‌توان به صورت پیوستاری نمادسازی کرد که در یک قطب آن، خودمختاری و در قطب دیگر، کنترل قرار دارد. دسی و ریان (۱۹۸۵) این پیوستار را سبکهای تنظیمی^۱ نامیده‌اند.

ریان، ریگی و کینگ^۲ (۱۹۹۳) با نگاه به مذهب از دید فرایند درونی شدن آن، دو نوع جهت‌گیری مذهبی را مطرح کرده‌اند. منظور از فرایند درونی شدن، فرایندی است که از طریق آن، افراد دلایل بیرونی هدایت‌کننده رفتارهای خود را به دلایل درونی تبدیل می‌کنند. همان‌طور که استرمان^۳ (۱۹۹۶) بیان می‌کند، ریان بر اساس سطح درونی‌سازی، دو نوع درونی شدن مذهبی، شامل درونی شدن از نوع همانندسازی^۴ و درونی شدن از نوع درون‌فکنی^۵ را معرفی کرده است. سبک تنظیم درون‌فکنی شده، به معنای درونی شدن منبع انگیزشی بیرونی بر پایه فشارهای درونی همچون: احساس گناه، تشویش و تهدید خودپندارنده است. در واقع؛ این سبک تنظیمی، همان اصطلاح وجدان درون انسان است که هرگاه خطایی مخالف قوانین وضع شده بیرونی انجام شود، در انسان احساس گناه و عذاب وجدان یا تشویش پدید می‌آید. اما در سبک تنظیمی همانندسازی شده، رفتار بر اساس ارزشها و اهداف فردی درونی شده صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر؛ احساس گناه برآمده از فشارهای بیرونی، رفتار را تحریک نمی‌کند، بلکه انسان بر پایه عقاید و باورهای خود رفتار می‌کند.

پیوستار درونی‌سازی در نظریه خودتعیینی دسی و ریان (۱۹۸۵)، به درک بهتر جایگاه جهت‌گیری همانندسازی شده و جهت‌گیری درون‌فکنی شده کمک می‌کند.

تنظیم بیرونی	تنظیم درون‌فکنی شده	تنظیم همانندسازی شده	تنظیم انجام یافته	تنظیم درونی
--------------	---------------------	----------------------	-------------------	-------------

شکل ۱: پیوستار درونی‌سازی در نظریه خودتعیینی (دسی و ریان، ۱۹۸۵)

در نتیجه، پژوهش حاضر بر آن است تا به سؤالات ذیل پاسخ گوید:

- آیا جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای هر یک از گرایشهای تفکر انتقادی (ابتکار، بلوغ فکری و اشتغال ذهنی) می‌باشد؟

1. Regulation Styles
 2. Rayan, Rigby & King
 3. Strahan
 4. Identification
 5. Introjection

۴۰۹ \diamond بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و گرایش‌های تفکرانتقادی

- آیا جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای هریک از گرایش‌های تفکر انتقادی (ابتکار، بلوغ فکری و اشتغال ذهنی) می‌باشد؟

ب) روش و ابزار پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن، شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل در سال ۹۲-۱۳۹۱ دانشگاه شیراز بودند. شرکت‌کنندگان در پژوهش، ۳۷۰ دانشجوی دوره کارشناسی - اعم از دختر و پسر - دانشگاه شیراز به تفکیک رشته‌های فنی و مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی و اقتصاد و مدیریت بودند که به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب که از بین فهرست دانشکده‌های دانشگاه شیراز، چهار دانشکده به طور تصادفی انتخاب و سپس از هر دانشکده، سه کلاس به طور تصادفی انتخاب شد و دانشجویان کلاسهای انتخاب شده، مورد ارزیابی قرار گرفتند. پس از انجام نمونه‌گیری و حذف پرسشنامه‌های مخدوش، تعداد شرکت‌کنندگان پژوهش به ۳۵۲ نفر رسید که از این تعداد، ۱۸۹ نفر دختر و ۱۶۳ نفر پسر بودند.

۱. سیاهه گرایش به تفکر انتقادی

برای سنجش گرایش به تفکر انتقادی، از سیاهه گرایش به تفکر انتقادی (ریکتس، ۲۰۰۳) استفاده شد. این مقیاس پس از آنکه مور، رود و پنفلد^۲ (۲۰۰۲) به نتایج متفاوت و مهمی در مورد پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی کالیفرنیا رسیدند، طراحی شد. ریکتس سعی کرد مقیاسی کوتاه‌تر و پایاتر طراحی کند. این پرسشنامه بر اساس مقیاس تفکر انتقادی فاسیونه (۱۹۹۰) ساخته شده است. پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی، ابزاری خود گزارشی است که میزان تمایل به تفکر انتقادی را می‌سنجد و دارای ۳۳ گویه در سه زیرمقیاس ابتکار (۱۱ گویه)، بلوغ فکری (۹ گویه) و اشتغال ذهنی (۱۳ گویه) است. آزمودنی در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) و کاملاً موافقم (نمره ۵) میزان مخالفت یا موافقت خود با هر یک از عبارات را مشخص می‌کند. نمره‌گذاری گویه‌های ۲، ۱۲، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۳۰، ۳۲ و ۳۳ به صورت معکوس است. برای به دست آوردن نمره هر زیر مقیاس، نمره عبارات مربوط به زیر مقیاس مورد نظر با هم جمع و بر تعداد آن تقسیم شد.

ریکتس و راد^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی که این پرسشنامه را بر روی ۳۱۹ نفر از دانشجویان ۱۲ دانشگاه کشاورزی اجرا کرد، ضریب پایایی را برای زیر مقیاس ابتکار ۰/۷۶، برای زیر مقیاس اشتغال ذهنی ۰/۸۵، و

1. *Critical Thinking Disposition Inventory (CTDI)*

2. *Moore, Rudd & Penfield*

3 *Rudd*

۴۱۰ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

برای زیرمقیاس بلوغ فکری ۰/۵۹ گزارش کرد. از آنجا که این مقیاس بر مبنای کار اصلی فاسیونه (۱۹۹۰) تهیه شده، روایی سازه آن تأیید می‌شود. پایایی این مقیاس در ایران، در پژوهش‌های چندی مطلوب گزارش شده است؛ از جمله قنبری و همکاران (۱۳۹۱) پایایی این ابزار را برای نمره کل، ابتکار، بلوغ شناختی و اشتغال ذهنی به ترتیب: ۰/۷۹، ۰/۷۱، ۰/۸۰ و ۰/۵۷ گزارش کرده‌اند.

در پژوهش حاضر برای ارزیابی پایایی، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل آزمون، ۰/۷۳ و برای زیرمقیاس‌های ابتکار، بلوغ فکری و اشتغال ذهنی به ترتیب: برابر با ۰/۷۴، ۰/۵۶ و ۰/۷۵ بود.

در همه پژوهش‌های مذکور، به ذکر این نکته که این پرسشنامه بر مبنای کار اصلی فاسیونه (۱۹۹۰) تهیه شده، اکتفا شده است و روایی آن محاسبه نشده است. لذا در پژوهش حاضر برای تعیین روایی سازه و تأیید ساختار عاملی مقیاس یاد شده برای استفاده در ایران، روش تحلیل عامل به روش مؤلفه اصلی با چرخش قائم^۱ به کار رفت. ملاک استخراج عوامل ارزش ویژه^۲ بالاتر از یک و شیب منحنی اسکری بود، که چنانچه سازنده این مقیاس پیشنهاد داده بود، سه عامل تأیید شد. مقدار ضریب KMO که بیانگر کفایت نمونه‌گیری است، مطلوب و برابر با ۰/۷۸ بود. آزمون بارتلت نیز با ضریب ۱۵۱۶ و با درجه آزادی ۲۷۶ در سطح هزارم معنادار شد که حاکی از معناداری ماتریس همبستگی است و مجموع متغیرها می‌توانست ۳۳/۶۶ درصد از کل واریانس سازه را تبیین کند. ضمن آنکه گویه‌های شماره ۷، ۲۸ و ۲۹ از زیرمقیاس ابتکار، گویه ۳۱ از زیرمقیاس بلوغ فکری و گویه‌های ۳، ۴، ۱۳، ۱۸ و ۲۷ از زیرمقیاس اشتغال ذهنی به دلیل آنکه در تحلیل عامل در زیر عامل مربوط به خود قرار نگرفتند، حذف شدند. در جدول ۱ نتایج تحلیل عامل این پرسشنامه آورده شده است.

1. Varimax
2. Eigen Value

۴۱۱ \diamond بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و گرایش‌های تفکر انتقادی

جدول ۱: بارهای عاملی، مقدار ارزش ویژه و درصد واریانس سهم‌گانه گرایش به تفکر انتقادی

عامل	گویه‌ها	بارهای عاملی	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی
ابتکار	۱	۰/۶۵	۳/۳۷	۱۴/۰۶	۱۴/۰۶
	۵	۰/۵۳			
	۱۱	۰/۶۰			
	۱۴	۰/۶۲			
	۱۷	۰/۶۴			
	۲۴	۰/۳۸			
	۲۵	۰/۵۱			
	۲۶	۰/۵۱			
بلوغ فکری	۲	۰/۶۱	۲/۶۳	۱۱/۰۰	۲۵/۰۶
	۱۲	۰/۵۳			
	۱۵	۰/۵۴			
	۱۹	۰/۴۲			
	۲۳	۰/۵۳			
	۳۰	۰/۳۰			
	۳۲	۰/۳۵			
	۳۳	۰/۴۸			
اشتغال ذهنی	۶	۰/۴۰	۲/۰۶	۸/۶۱	۳۳/۶۵
	۸	۰/۳۳			
	۹	۰/۵۷			
	۱۰	۰/۵۱			
	۱۶	۰/۴۳			
	۲۰	۰/۷۰			
	۲۱	۰/۴۵			
	۲۲	۰/۷۴			

۲. پرسشنامه خودگردانی مذهبی

به منظور اندازه‌گیری جهت‌گیری مذهبی از پرسشنامه خودگردانی مذهبی (ریان و همکاران، ۱۹۹۳)

استفاده شد. این ابزار یک پرسشنامه خودسنجی است که میزان موافقت یا مخالفت پاسخ‌دهنده را به ۱۲

گویه که درباره جهت‌گیری مذهبی او هستند، طلب می‌کند. پاسخها در دامنه‌ای پنج درجه‌ای از کاملاً

۴۱۲ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

موافقم (نمره ۵) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) قرار می‌گیرد. در این پرسشنامه، هر جهت‌گیری با شش گویه ارزیابی می‌شود. گویه‌های ۱، ۴، ۶، ۸، ۹ و ۱۱ مربوط به بُعد جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده و گویه‌های ۲، ۳، ۵، ۷، ۱۰ و ۱۲ مربوط به بُعد جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده است. بنابراین، هر آزمودنی دو نمره از این ابزار به دست می‌آورد. نمرهٔ بیشتر در هر مورد به معنای جهت‌گیری بیشتر آزمودنی است.

روایی و پایایی این پرسشنامه را البرزی و جوکار (۱۳۸۴) بررسی کرده‌اند. به منظور تعیین روایی این ابزار از روشهای تحلیل عامل و روایی ملاکی استفاده شده است. به وسیلهٔ تحلیل عامل اکتشافی^۱ به شیوهٔ مؤلفه‌های اصلی و تحلیل عامل تأییدی^۲ با استفاده از روش بیشینهٔ احتمال دو عامل جهت‌گیری همانندسازی شده و جهت‌گیری درون‌فکنی شده استخراج شده‌اند. محققان به منظور بررسی روایی ملاکی این پرسشنامه، از پرسشنامهٔ خودگردانی یادگیری ریان و همکاران (۱۹۹۳) استفاده کرده‌اند. نتایج گزارش شده حاکی از روایی ملاکی مطلوب این ابزار است.

البرزی و جوکار (۱۳۸۴) برای محاسبهٔ پایایی این ابزار، ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی بازآزمایی را محاسبه کرده‌اند که ضریب آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری همانندسازی شده و جهت‌گیری فرافکنی شده به ترتیب برابر با ۰/۷۵ و ۰/۷۸ گزارش شده است. ضریب پایایی بازآزمایی نیز برای جهت‌گیری همانندسازی شده برابر ۰/۷۳ و برای جهت‌گیری فرافکنی شده ۰/۷۶ به دست آمده است.

در پژوهش حاضر برای بررسی پایایی این ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان ضریب آن برای جهت‌گیری همانندسازی شده برابر با ۰/۷۱ و برای جهت‌گیری فرافکنی شده برابر با ۰/۷۸ بود.

برای تعیین روایی سازه و تأیید ساختار عاملی مقیاس یادشده نیز روش تحلیل عامل به روش مؤلفهٔ اصلی با چرخش قائم به کار برده شد. ملاک استخراج عوامل ارزش ویژه بالاتر از یک و شیب منحنی اسکری بود، که چنانچه سازندهٔ این مقیاس پیشنهاد داده بود، دو عامل تأیید شد. مقدار ضریب KMO که بیانگر کفایت نمونه‌گیری است، مطلوب و برابر با ۰/۸۱ بود. آزمون بارتلت نیز با ضریب ۱۰۶۸ و با درجه آزادی ۵۵ در سطح یک هزارم معنادار شد که حاکی از معناداری ماتریس همبستگی است. در مجموع متغیرها می‌توانست ۵۰/۴۵ درصد از کل واریانس سازه را تبیین کند. اما گویهٔ ۱ به دلیل آنکه هیچ یک از عاملها را تبیین نمی‌کرد، از زیرمقیاس جهت‌گیری همانندسازی حذف شد.

1. Exploratory Factor Analysis
2. Confirmatory Factor Analysis
3. Academic Self-Regulation Questionnaire (SRQ-A)

ج) یافته‌ها

ابتدا یافته‌های توصیفی متغیرهای مطالعه و سپس نتایج تحلیل‌هایی مطرح می‌شود که به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش انجام شده‌اند.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
جهت‌گیری مذهبی	هماندسازی	۱۸/۴۲	۳/۹۴	۵
	درون‌فکنی	۱۵/۳۵	۵/۳۸	۶
گرایش به تفکر انتقادی	ابتکار	۳۱/۷۴	۴/۶	۱۱
	بلوغ فکری	۲۵	۴/۵۶	۱۱
	اشتغال ذهنی	۲۷/۶۳	۴/۷۸	۸

به منظور بررسی امکان پیش‌بینی هر یک از گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان توسط جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد.

جدول ۳: پیش‌بینی گرایش‌های تفکر انتقادی بر اساس جهت‌گیری مذهبی

متغیرهای ملاک	متغیرهای پیش‌بین	F	P<	R	R ²	β	t	P<
ابتکار	هماندسازی	۳۷/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۴۲	۰/۱۷	۰/۴۵	۸/۳۲	۰/۰۰۱
	درون‌فکنی					-۰/۳۲	۵/۹۲	۰/۰۰۱
بلوغ فکری	هماندسازی	۱۸/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۳۱	۰/۰۹	۰/۱۱	۱/۹۸	۰/۰۵
	درون‌فکنی					-۰/۳۴	۶/۰۴	۰/۰۰۱
اشتغال ذهنی	هماندسازی	۵/۵۵	۰/۰۱	۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۱۹	۳/۲۸	۰/۰۰۱
	درون‌فکنی					-۰/۱۳	۲/۱۲	۰/۰۵

ابتکار: متغیرهای پیش‌بین اثر معناداری بر ابتکار داشته‌اند ($P < ۰/۰۰۱$ ، $F = ۳۷/۰۰$). جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده ($P < ۰/۰۰۱$ ، $\beta = ۰/۴۵$) به طور مثبت و معنادار و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی

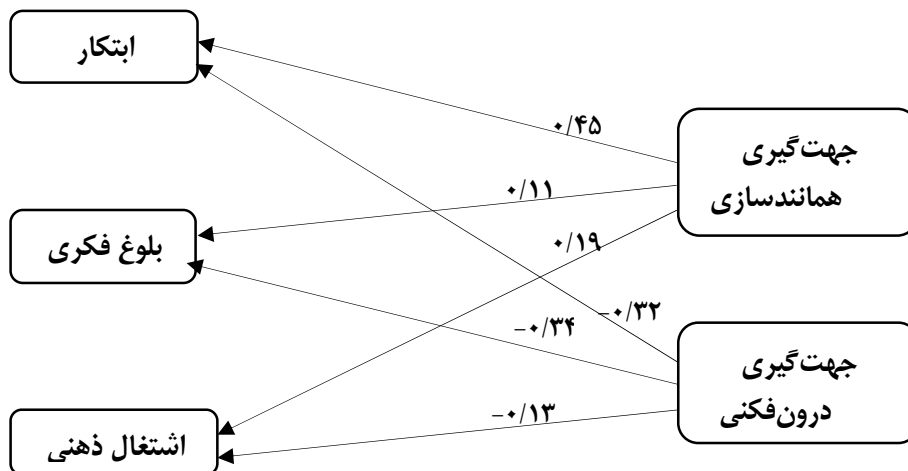
۴۱۴ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۴

شده ($\beta = -0/32, <P0/001$) به طور منفی و معنادار ابتکار را پیش‌بینی می‌کنند. مجموع متغیرهای پیش‌بین ۱۷ درصد از واریانس ابتکار را تبیین کرده‌اند.

بلوغ فکری: متغیرهای پیش‌بین اثر معناداری بر بلوغ فکری داشته‌اند ($F=18/54, <P0/001$). جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده ($\beta = 0/11, <P0/05$) و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده ($\beta = -0/34, <P0/001$) به صورت منفی و معنادار بلوغ فکری را پیش‌بینی می‌کنند. مجموع متغیرهای پیش‌بین ۹ درصد از واریانس بلوغ فکری را تبیین کرده‌اند.

اشتغال ذهنی: متغیرهای پیش‌بین اثر معناداری بر اشتغال ذهنی داشته‌اند ($F=5/55, <P0/01$). هر دو جهت‌گیری مذهبی همانندسازی ($\beta = 0/19, <P0/001$) به طور مثبت و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی ($\beta = -0/13, <P0/05$) به طور منفی و معنادار اشتغال ذهنی را پیش‌بینی می‌کنند. مجموع متغیرهای پیش‌بینی ۳ درصد از واریانس اشتغال ذهنی را تبیین می‌کنند.

نتایج رگرسیون چندگانه جهت‌گیری‌های مذهبی درون‌سازی شده و درون‌فکنی شده بر هریک از گرایشهای تفکر انتقادی در شکل ۲ خلاصه شده است:



شکل ۲: نتایج رگرسیون چندگانه گرایشهای تفکر انتقادی بر جهت‌گیری مذهبی

د) بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بین جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده و همه ابعاد گرایش به تفکر انتقادی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و بین جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده و همه ابعاد گرایش به تفکر انتقادی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. این نتایج با نتایج پژوهش ماهاپونینانت (۲۰۱۰)، ویلر^۱ (۲۰۰۵) و هنسی^۲ (۲۰۰۴) همسو می‌باشد.

ابتکار: در جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده که درونی شدن ناقص و ناتمام باورهاست، اعمال مذهبی به نیت تأیید شدن فرد از جانب خود و دیگران انجام می‌شود. اگرچه سبک تنظیمی درون‌فکنی شده^۳ یک سطح بالاتر از سبک بیرونی است و تا حدی دلایل افراد درونی است، اما بنا به گفته‌ریان و همکاران (۱۹۹۳)، فشار عوامل بیرونی است که از راه تهدید خودپنداره، تشویش و احساس گناه، فرد را وادار به کنش می‌کند. پس در توجیه ارتباط منفی بین جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده و ابتکار، که همان حقیقت‌جویی است، می‌توان به یافته پژوهش ویلر (۲۰۰۵) استناد کرد که در انگیزش بیرونی، چون فرد به دنبال پاداش بیرونی است، حقیقت را در کلام مراجع قدرت از جمله: معلم، والدین، صاحبان قدرت و ... می‌یابد و به دریافت‌کننده منفعل اطلاعات تبدیل می‌شود و در چنین حالتی «نیازی»^۴ به جستجوی اطلاعات و حقیقت‌جویی (ابتکار) احساس نمی‌کند؛ درحالی که در جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده، اهداف و عقاید کاملاً درونی شده‌اند؛ یعنی فرد برای درونی کردن ارزش‌هایش با انگیزش درونی برای به دست آوردن منابع اطلاعاتی معتبر احساس «نیاز» می‌کند و این احساس نیاز وی را به سمت حقیقت‌جویی (ابتکار) سوق می‌دهد.

بلوغ فکری: بنا به گفته‌ریکتس (۲۰۰۳)، فرد بالغ از پیچیدگی مسائل واقعی آگاه است و می‌داند که ممکن است برای یک مسئله بیش از یک راه حل وجود داشته باشد. او نسبت به دیدگاه‌های دیگران ذهن گشوده‌ای دارد. طبیعی است طبق توضیحات دسی و ریان (۱۹۸۵)، فرد با جهت‌گیری درون‌فکنی شده که برای انجام اعمال مذهبی با نوعی «الزام» و «باید» همراه است، به طوری که اگر عملی مخالف قوانین وضع شده انجام دهد، دچار عذاب وجدان یا احساس گناه می‌شود، تمایلی به دانستن عقاید دیگران و بررسی آنها و در نظر گرفتن حالات مختلف برای یک مسئله ندارد و ترجیح می‌دهد برای جلوگیری از احساس تشویش و گناه به رعایت باید‌ها و قوانین وضع شده اکتفا کند. برعکس در جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده که رفتار بر اساس فشارهای بیرونی نیست، فرد در جهت درونی کردن هر چه بیشتر ارزش‌هایش به

1. Weiler

2. Hennessey

3. Interjected Regulation

4. Need

دنبال اطلاعات معتبر می‌باشد. در نتیجه در برابر عقاید دیگران ذهن گشوده‌ای دارد و برای هر مسئله راه‌های مختلفی را در نظر می‌گیرد.

اشتغال ذهنی: ریکتس (۲۰۰۳) می‌گوید اشتغال ذهنی نشان می‌دهد فرد چه میزان در جستجوی فرصت‌هایی است که بتواند به استدلال بپردازد و همچنین اطمینان فرد به خود در توانایی استدلال را نشان می‌دهد. همچنین همان‌طور که ریان و همکاران (۱۹۹۳) گفته‌اند، فرد دارای جهت‌گیری درون‌فکنی شده هرگاه خطایی مخالف قوانین وضع شده بیرونی انجام دهد، دچار احساس گناه و عذاب وجدان یا تشویش می‌شود. در نتیجه چنین فردی تحت تأثیر عوامل محیطی است و چندان به دنبال استدلال نیست. در واقع؛ می‌توان گفت محیط، شکل‌دهنده اصلی سبک تنظیمی آنهاست (البرزی و جوکار، ۱۳۸۴). ولی از آنجاکه در جهت‌گیری همانندسازی شده، فشارهای بیرونی در رفتار مؤثر نیستند و فرد طبق ارزشها و اهداف درونی‌اش اقدام می‌کند (ریان و همکاران، ۱۹۹۳)، مسلماً کمتر تحت عوامل محیطی خواهد بود و قدرت استدلال بیشتری دارد.

کاربردها

یافته‌های این پژوهش کاربردهای نظری و عملی بسیار مهمی دارد. از جمله کاربردهای مهم نظری این پژوهش آن است که به روشن شدن رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و تفکر انتقادی کمک می‌کند؛ زیرا همان‌طور که در قسمت پیشینه ذکر شد، در پژوهشهای مختلف نتایج متضادی در مورد رابطه بین مذهب و تفکر انتقادی به دست آمده است و این پژوهش مشخص می‌کند که نوع جهت‌گیری مذهبی است که باعث تضعیف یا تقویت گرایش به تفکر انتقادی می‌شود. از طرفی اکثر پژوهشهای صورت گرفته در ایران در زمینه جهت‌گیری مذهبی به تأثیر آن بر متغیرهایی چون شادکامی، سلامت روان، کاهش اضطراب، کاهش افسردگی و ... پرداخته شده و پژوهش‌چندانی در ارتباط با تأثیر جهت‌گیری مذهبی بر مؤلفه‌های مربوط به فرایندهای شناختی همچون تفکر انتقادی صورت نگرفته است.

از نظر عملی نیز این پژوهش پیامهای مهمی را برای والدین و متولیان امر تعلیم و تربیت، به خصوص متولیان تربیت دینی در بر دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد برای تربیت دینداران متفکر، حقیقت‌جو، بالغ و استدلال‌گر، باید در تعالیم مذهبی از اینکه افراد از طریق کنترل، اجبار یا ایجاد احساس گناه به انجام رفتارهای مذهبی سوق داده شوند، به شدت پرهیز و متقابلاً به سمت درونی کردن ارزشها سوق داده شوند؛ یعنی احساس نیاز به «حقیقت‌جویی و پرسشگری»، «استدلال»، «بررسی عقاید مختلف» و «روحیه پژوهشگری» در آنها تقویت شود. به عبارتی دیگر؛ محتوای آموزشهای دینی در خانواده، مدارس، رسانه‌ها، سخنرانی‌ها و ... باید به نحوی تنظیم شود که برای مخاطبان ایجاد سؤال کند، به سؤالهای آنها پاسخ دهد، متناسب با سطح شناختی، نیازها و روحیات آنها باشد تا بتواند در آنها شور و انگیزه ایجاد کند تا فرد شخصاً به تفکر و تحقیق در این زمینه بپردازد و این مباحث در وی درونی شده و به باور او تبدیل شود. در این

بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و گرایش‌های تفکر انتقادی ۴۱۷

صورت است که فرد دارای جهت‌گیری مذهبی همانندسازی می‌شود و روحیه حقیقت‌جویی وی تقویت شده، به فردی تبدیل می‌شود که توان تجزیه و تحلیل بالایی دارد و در نتیجه، گرایش به تفکر انتقادی بالایی پیدا خواهد کرد. چنانچه در تعالیم اسلامی نیز تأکید زیادی بر تفکر و تعقل وجود دارد؛ تا جایی که پیامبر اکرم (ص) یک ساعت تفکر را برتر از ۷۰ سال عبادت می‌دانند (نراقی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۲). برعکس اگر محتوای آموزش‌های دینی به گونه‌ای تنظیم شود که صرفاً یک سری باید و نبایدها ارائه شود و افراد از طریق فشارهای بیرونی، ایجاد احساس گناه و عذاب وجدان، ملزم به اطاعت از این دستورات شوند، جهت‌گیری مذهبی‌شان از نوع درون‌فکنی خواهد شد و طبق یافته‌های این پژوهش، گرایش به تفکر انتقادی آنها، قدرت استدلال، بلوغ ذهنی و روحیه حقیقت‌جویی‌شان کاهش پیدا خواهد کرد.

پیشنهاد‌های پژوهش

از آنجا که اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با جهت‌گیری مذهبی، به تأثیر آن بر ابعاد سلامت روان، شادکامی، سرسختی روان‌شناختی، مقابله با استرس و... و پیامدهای مثبت سازگارانه از جمله: یکپارچگی هویت، عزت نفس و... پرداخته‌اند، پیشنهاد می‌شود تأثیر جهت‌گیری‌های مذهبی بر عوامل شناختی دیگر از جمله: مهارت‌های تفکر انتقادی، سبک‌های یادگیری و... نیز پژوهش شود.

علاوه بر آن، دیگر پیش‌آیندهای تعیین‌کننده جهت‌گیری مذهبی، از جمله عوامل محیطی مثل الگوهای ارتباطی اساتید و عوامل فردی، مثل هوش و هوش هیجانی نیز مورد بررسی قرار گیرد.



منابع

- اسپیلکا، برنارد؛ رالف دبلیو هود، بروس هونسبرگر و ریچارد گرساچ (۱۳۹۰). روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی. ترجمه محمد دهقانی. تهران: رشد.
- البرزی، محبوبه و بهرام جوکار (۱۳۸۴). «مقایسه خودگردانی مدارس تیزهوشان با مدارس عادی شهرستان شیراز». *مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، ش ۱(۲): ۸۳-۹۵*.
- قنبری، علی؛ بهرام هاشم‌آبادی، هوشنگ گراوند، اعظم محمدزاده و سید علی‌اکبر حسینی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه گرایش به تفکر انتقادی و یادگیری خودراهبر در دانشجویان پرستاری و مامایی مشهد و نقش آن در موفقیت تحصیلی». *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد، ش ۷(۴): ۲۷-۱۵*.
- نراقی، مهدی (۱۳۷۲). *علم اخلاق اسلامی (گزیده ترجمه جامع‌السعادات)*. ترجمه جلال‌الدین مجتبیوی. تهران: حکمت.
- Alborzi, M. & B. Jowkar (2005). "Comparing Self-Regulation Gifted School of Shiraz City with Ordinary ones". *Psychological Studies at Faculty of Education and Psychology of Alzahra University*, 1(2): 83-95.
- Alcock, J.E. & L.P. Otis (1980). "Critical Thinking about Belief in the Paranormal". *Psychology Report*, 46: 479-482.
- Allport, G.W. & J.M. Ross (1967). "Personal Religious Orientation and Prejudice". *Journal of Personality and Social Psychology*, 5: 423-443.
- Andolina, M. (2001). *Critical Thinking for Working Students*. Columbia: Delmar Press.
- Banning, B. (2006). "Measures that can be used to Instill Critical Thinking Skills in Nurse Prescribers". *Nurse Education in Practice*, 6: 98-105.
- Baumberger-Henry, R.N. (2005). "Cooperative Learning and Case Study. Does the Combination Improve Student?". *Nurse Education Today*, 25: 238-246.
- *CCTDI test manual* (2007). Millbrae, CA: The California Academic press.
- Clifford, J.S.; M.M. Boufal & J.E. Kurtz (2004). "Personality Traits and Critical Thinking Skill in College Student. Empirical Tests of a two Factor Theory". *Assessment*, 11(2): 169-176.
- Coombs, P.H. (1985). *The World Crisis in Education*. USA: Oxford University Press.
- Deci, E.L. & R.M. Ryan (1985). *Intrinsic Motivation and Self-Determination in Human Behavior*. New York: Plenum Press.
- Denney, T.H. (2008). *Relationships between Religion and Prejudice. Implicit and Explicit Measures*. Psychology Theses of Doctor of Philosophy, Georgia State University.
- Emir, S. (2013). "Contributions of Teacher's Thinking Styles to Critical

Thinking Dispositions (Istanbul-Fatih Sample)". *Educational Consultancy and Research Center*, 13(1): 337-347.

- Ennis, R.H. (2002). "An Outline of Goals for a Critical Thinking Curriculum and its Assessment". Available at: <http://faculty.ed.Uiuc.edu/rhennis>.
- Ernst, J. & M. Monroe (2006). "The Effects of Environment-based Education on Students' Critical Thinking Skills and Disposition toward Critical Thinking". *Environmental Education Research*, 12(34): 429-443.
- Facione, P.A. (1990). **Critical Thinking: A Statement of Expert Consensus for purposes of Educational Assessment and Instruction**. *The Complete American Philosophical Association Delphi Research Report*. CAP: The California Academic Press.
- Facione, P.A. (2011). **Critical Thinking: What it is and why it Counts (a Resource Paper)**. Millbrae, CA: California Academic Press.
- Ghanbari, A.; B. Hashem Abadi, H. Geravand, A. Mohammadzadeh & A. Hosseini (2012). "Investigating the Relationship between Critical Thinking Dispositions and Self-Directed Learning in Nursing and Midwifery Students in Mashhad and its Role in the Academic Success". *The Journal of Yazd Studies Center and Medical Education Development*, 7(4): 15-27.
- Goldberg, L. (2011). **Reasoning and Religion: The Relevance of the Academic Study of Religion to Critical Thinking Pedagogy**. a Thesis of Waikato University.
- Greenwood, A.F. (2004). "Prior Beliefs and Methodological Concepts in Scientific Reasoning". *Applied Cognitive Psychology*, 18: 203-221.
- Guven, M. & D. Kurum (2008). "The Relationship between Teacher Candidates, Learning Style & Critical Thinking Disposition". *Elementary Education Online*, 7(1): 53-70.
- Hennessy, B.A. (2004). "The Social Psychology of Creativity: The Beginnings of Multicultural Perspective". In S. Lau (Ed.). *Creativity. When East Meet West*. Hong Kong: World Scientific Publishing.
- Irwin, H.J. (1991). "Reasoning Skill of Paranormal Believers". *Journal of Parapsychology*, 55: 280-300.
- Johnson, E.B. (2002). **Contextual Teaching and Learning: What it is and why it's here to Stay**. United Kingdom: Corwin Press.
- Kirby, M. (2008). **The Impact of Religious Schema on Critical Thinking Skills**. Dissertations, Utah State University.
- Lerch, C.; A. Bilics & B. Colley (2006). "Using Reflection to Develop Higher Order Processes". *Paper Presented at the Annual Meeting of American Education Research Association* (www.eric.ed.org).
- Mahapoonyanont, N. (2010). "Factors Related to Critical Thinking Abilities: a Meta-Analysis". *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 9: 986-990.

- Merla-Romos, M. (1999). **“Belief and Reasoning: The Effect of Belief on Syllogistic Reasoning”**. *The Science and Engineering*, 61: 558.
- Moore, L.M.; R.D. Rudd & R.D. Penfield (2002). (Submitted for Publication). **“Scale Reliability and Validity of the California Critical Thinking Disposition Inventory”**. *Journal of Agricultural Education*.
- Morgan, R.K. & D.L. Morgan (1998). **“Critical Thinking and Belief in the Paranormal”**. *College Student Journal*, 32: 135-146.
- Naraghi, M. (1993). **Islamic Ethics Science (Selected Translation of Jame' Alsa'adat)**. Trans. J. Mojtabavi. Tehran: Hekmat.
- Purvis, A. (2009). **Factors that Influence the Development of Critical Thinking Skills in Associate Degree Nursing Student**. Doctor of Education a Thesis, the University of Georgia.
- Rayan, R.M.; S. Rigby & K. King (1993). **“Two Types of Religious Internalization and their Relations to Religious Orientations and Mental Health”**. *Journal of Personality and Social Psychology*, 65: 586-596.
- Ricketts, John C. (2003). **The Efficacy of Leadership Development, Critical Thinking Disposition and Student Academic Performance on the Critical Thinking Skills of Selected Youth Leaders**. Doctoral Dissertation, the University of Florida.
- Ricketts, J. C. , Rudd, R. D. (2005). **Critical Thinking Skills of Selected Youth Leaders: the Efficacy of Critical Thinking Disposition, Leaders and Academic Performance**, *Journal of Agricultural Education*, 46 (1): 32-43.
- Sezer, R. (2008). **“Integration of Critical Thinking Skills into Elementary School Teacher Education Courses in Mathematics”**. *Pro Quest Education Journals*. 128(3): 349.
- Spilka, B.; R.W. Hood, B. Hounsburger & R. Gorsuch (2003). **Psychology of Religion based on Empirical Approach**. Trans. M. Dehgani. Tehran: Roshd.
- Strahan, B.J. (1996). **“Does Religion Support Family Relationships? It Depends on What Kind of Religion”**. Tobacyk, J.J. & G. Milford (1982). **“Criterion Validity for Ellis' Irrational Belief: Dogmatism and Uncritical Inferences”**. *Journal of Clinical Psychological*, 38: 605-607.
- Weiler, A. (2005). **“Information-Seeking Behavior in Generation Y Students: Motivation, Critical Thinking, and Learning Theory”**. *The Journal of Academic Librarianship*, 13 (1): 46-53.
- Wierzbicki, M. (1985). **“Reasoning Errors and be in the Paranormal”**. *Journal of Social Psychology*, 125: 489-494.

